

ضرب المثل‌های معروف ایران

هوشنگ یزدی

www.ketab.ir

سرنشانه	:	یزدی، هوشنگ، ۱۳۴۳
عنوان و نام پدیدآور	:	ضرب المثل های معروف ایران / هوشنگ یزدی.
مشخصات نشر	:	تهران: شهرزاد، ۱۳۸۹.
مشخصات ظاهری	:	۱۵۱ ص.
شابک	:	۹۷۸-۶۰۰-۱۷۱-۰۵۸-۲
وضعیت فهرست نویسی	:	فیا
موضوع	:	ضرب المثل های ایرانی
موضوع	:	ضرب المثل های فارسی
رده بندی کنگره	:	۱۳۸۹ ض ۴ ی / PIR۳۹۹۶
رده بندی دیویی	:	۳۹۸/۹۴
کتاب شناسی ملی	:	۲۲۲۶۴۰۵

انتشارات شهرزاد
ضرب المثل های معروف ایران
هوشنگ یزدی

چاپخانه: ندای ایران

چاپ اول: ۱۳۸۹

تیراژ: ۲۰۰۰

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۱۷۱-۰۵۸-۲

قیمت: ۲۵۰۰ تومان

بنام خدا

سخن ناشر

ضرب‌المثل‌ها ریشه در فرهنگ یک ملت دارد و حاصل اندیشه و تفکر و میراث معنوی گذشتگان است که زبان به زبان به نسل‌های آینده رسیده و ما را با اعتقادات و ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی و اخلاقی نسل‌های گذشته آشنا می‌سازد. با اندکی تأمل و تفکر در این جملات زیبا می‌توان به روحیات و اخلاقیات مردم یک سرزمین پی برد.

یکی از شیوه‌های بیان، ضرب‌المثل‌هاست که با جمله‌ای کوتاه و زیبا و در بعضی اوقات آمیخته به طنز تأثیر بسزایی بر مخاطب خود داشته و شنونده را مجذوب خود می‌کند. این اصطلاحات حکیمانه داستانی پندآموز را در قالب سخنی کنایی

بیان کرده که در بسیاری مواقع حاوی نکات عبرت‌آمیز و آموزنده نیز می‌باشد.

این اصطلاحات و ضرب‌المثل‌ها پیوند ناگسستنی با مردم داشته و به خاطر کاربرد فراوانشان در گفتگوهای روزانه اهمیت خاصی پیدا کرده‌اند به همین جهت ادبا و شعرا در سخن و نظم خود از این کنایه‌ها و مثل‌ها بهره جسته و کلام خود را به آن آراسته تا بتوانند بر روی مخاطبان خود تاثیر بیشتری بگذارند.

دانشمندان و سخنوران زبان شیرین پارسی با وجود تلاشها و مطالعات بسیار موفق به تعریفی دقیق و جامع جهت کلمه «ضرب‌المثل» نشده‌اند. گرچه تعاریفی هم در این زمینه ارائه شده است.

ضرب‌المثل کلام مشهور و زیبا و کوتاهی است که داستانی عبرت‌آمیز و سخنی پندآموز را بیان کرده و کل مطلب را در یک جمله کوتاه و کنایی بیان می‌کند و هر مللی که سابقه فرهنگ و تمدن طولانی‌تری داشته باشد به مانند زبان فارسی که مهد مثل و حکم است ضرب‌المثل‌های بیشتری در آن جا وجود دارد.

هدف از گردآوری این مجموعه خدمت و حفظ فرهنگ و تمدن و ارزش‌های تاریخی و اجتماعی یک ملت و انتقال آنها به نسل آینده می‌باشد بلکه از خطر فراموشی در امان بماند و نسل‌های آینده نیز از این بیان زیبا و عبرت‌آموز بهره گیرند و

نکات آموزنده آن را سرمشق خود و فرزندان‌شان قرار دهند. در پایان سلامتی شما عزیزان را از خداوند متعال مسئلت دارم.

www.ketab.ir

«آ»

■ آب از سرش گذشته!

کارش درست شدنی نیست و عاقبت هم موفق نمی شود

■ آب از آب تکان نخورده!

امنیت در همه جا برقرار است و همه چیز در نهایت آرامش است.

■ آبشان از یک جوی نرود!

در هیچ موردی با هم توافق ندارند

■ آب از دستش نمی چکه!

انسانی بسیار خسیسی است

■ آب از سرچشمه گله!

کار از اصل آن خرابست

■ آب در کوزه و ما تشنه لبان می‌گردیم!

هدف و مقصودمان در نزد ماست ولی از آن بی‌خبر و به

دنیا از آن می‌گردیم

■ آب پاکی را روی دستش ریخت!

به طور کل و برای همیشه او را ناامید کرد

■ آبی که در یک جا بماند می‌گنده!

کنایه از اینست که زیاد در یک مکان ماندن مساوی با از

دست دادن ارزش

■ آب را گل آلود می‌کند که ماهی بگریه!

کنایه از افرادیست که به مشکلی دامن زده تا از آن برای

خود کیسه‌ای بدوزند

■ آب که از سرگذشت چه یک وجب، چه صد وجب!

کنایه از آن است که اگر دچار مصیبتی شدی دیگر نباید از

کم و زیاد آن بترسی

■ آبی از گرم نمیشه!

نباید به او امیدی داشته باشی

■ آب زیرکاه!

کنایه از آدم فریب‌کار می‌باشد

■ آب که سر بالا می‌ره قورباغه ابو عطا میخونه!

کنایه از کسانیست که وقتی به مقصود و مرادشان می‌رسند، خودشان را گم می‌کنند

■ آب نمی‌بینه و گرنه شناگر ماهریه!

کنایه از فردی است که فرصت بدست نیاورده و گرنه آدم سودجویی می‌باشد

■ آتش که بگیره خشک و تر با هم میسوزه!

در اتفاقات ناگوار گناهکار و بی‌گناه با هم از بین می‌روند

■ آدم خوش معامله شریک مال مرده!

کنایه از آدم خوش حساب می‌باشد که مورد قبول همه

است.

■ آشپز که دو تا شد آش یا شور می‌شود یا بی‌نمک!

هر کاری که داری دو رئیس باشد آن کار عاقبت خوبی نخواهد داشت

■ آدم بد حساب دوبار می‌ده!

کنایه از فرد بد حسابی است که هم بدهی و هم خسارت آن را می‌پردازد

■ آخر شاه منشی گاه کشی است!

سرانجام فردی که حد و مرز خود را نداند، فلاکت و بدبختی است

■ آدم گدا این همه ادا!

در مورد فردی است که صاحب چیزی نیست ولی با فخر و تکبر رفتار می‌کند

■ آستین نو پلو بخور

کنایه از این است که فقط به ظاهر افراد توجه کنی یعنی کسی را به ظاهر انتخاب کنی نه به حقیقت